

تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)

صادق برزگر*، امیر بخشی** و محمدتقی حیدری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۳

امروزه با توجه به ویژگی‌های شهرنشینی و لزوم پایداری توسعه، تحلیل پایداری شهرها در کشور برای نیل به توسعه پایدار امری کلیدی است. با توجه به فقدان مطالعه‌ای مناسب از میزان پایداری در شهرهای کوچک منطقه شمال کشور، این پژوهش با طرح این مسئله شکل گرفته که میزان پایداری اجتماعی - اقتصادی این شهرها در منطقه شمال تا چه سطحی است. برای ارزیابی میزان پایداری از روش مدل بارومتر پایداری و رادار پایداری استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل شهرهای کوچک استان‌های گیلان، مازندران و گلستان می‌شود که جمعیتی بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر دارند. از این رو نخبه‌های شهری به روش «تصادفی سیستماتیک» و ۱۲ شهر به روش «تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شده است. نتایج حاصله بیانگر اختلاف و فاصله زیاد شاخص‌های پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک شمال کشور با سطح استاندارد آن است که بیشترین ناپایداری مربوط به مؤلفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی به ترتیب با ارزش ۰/۳۸۳ و ۰/۳۸۲ است. از این رو در امر سیاستگذاری برای پایداری ابعاد اجتماعی - اقتصادی، توجه به عواملی ضروری است که سبب افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی در این شهرها می‌شود.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار؛ پایداری اجتماعی؛ پایداری اقتصادی؛ شهرهای کوچک؛ شمال ایران

* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: barzegar62@pnu.ac.ir

** استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

Email: amirbakhshi@pnu.ac.ir

*** استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان؛

Email: th.heydari@ac.znu.ir

مقدمه

توسعه پایدار حاصل رشد آگاهی در سطوح جهانی در مورد مسائل و موضوعات محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فقر و نابرابری و نگرانی‌ها درباره یک آینده سالم برای بشر است. توسعه پایدار، این موضوعات (محیطی، اجتماعی و اقتصادی) را بسیار محکم به هم پیوند می‌دهد (Hopwood, Mellor and O' Brien, 2005: 38-39). در این خصوص، به علت افزایش بی‌رویه جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در مراکز شهری، توسعه پایدار شهری جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است (Drakakis, 1995: 3). توسعه پایدار شهری امروزه به‌عنوان مفهومی بسط یافته و نهادینه شده، چارچوب کلی تحلیل وضعیت سکونتگاه‌ها را در اختیار دارد. بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که این رویکرد دارای توانمندی‌های زیادی در زمینه شناخت وضعیت و مسائل پیش روی شهرهاست. سکونتگاه‌های شهری به‌عنوان نظام جغرافیایی، متأثر از عوامل و نیروهای فضا ساز در فرایندی زمانی - مکانی به وجود آمده و همواره تحت تأثیر فرایندهای درونی و بیرونی (اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، محیطی - اکولوژیکی) در حال تغییر و تحول بوده‌اند. در این میان شهرهای کوچک هم به‌عنوان جزئی از نظام جغرافیایی که متشکل از اجزای مرتبط به هم هستند، متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی - فضایی، نحوه تعامل یا ارتباط (ارتباط درونی و بیرونی) خود در گذر زمان، همواره دستخوش تحولاتی شده‌اند. هرچند روند شکل‌گیری و نحوه تکوین ساختاری - عملکردی شهرهای کوچک، در گذشته به‌صورت تدریجی بوده است، اما در دهه‌های اخیر سازمان‌یابی فضایی و عملکرد نظام سکونتگاهی این شهرها از یک طرف متأثر از تحولات اقتصادی - اجتماعی در نظام جهانی بوده و از طرف دیگر متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و سازمان‌های مختلف که برای توسعه آنها اتخاذ و اجرا شده، دستخوش تغییر و تحولات زیادی شده است. بی‌توجهی به نقش و اهمیت شهرهای کوچک و عدم شناخت صحیح جایگاه و پایگاه این شهرها باعث شده که امروزه سرمایه‌گذاری‌های مربوط به آنها بسیار کم صورت پذیرد که این خود مشکلات عدیده‌ای به‌ویژه ناپایداری این سکونتگاه‌ها را به دنبال داشته است (برزگر، ۱۳۹۳: ۷).

بنابر پیش‌بینی سازمان ملل، طی دهه‌های آینده بیشترین نرخ رشد شهرنشینی در شهرهای کوچک‌اندام روی خواهد داد (Cohen, 2005: 11). از این رو تدوین استراتژی توسعه پایدار

شهری برای این شهرها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اولاً دستیابی به توسعه پایدار شهری در شهرهای کوچک کمکی است شایان توجه به توسعه شهری پایدار در شهرهای بزرگ. ثانیاً پایداری توسعه در شهرهای کوچک می‌تواند گره کور بی‌تعادلی در نظام اسکان شهری را باز کند. لذا اهمیت و ضرورت پایداری شهرهای کوچک را می‌توان این‌گونه بیان کرد که پایداری توسعه در شهرهای کوچک‌اندام تضمین‌کننده پایداری توسعه در سطوح پایین نظام سکونتگاهی (روستاها و روستا - شهرها) و سطوح بالای این نظام (شهرهای میانه‌اندام و بزرگ) است (فنی و باقری، ۱۳۹۴: ۴۸).

توسعه پایدار شهرهای کوچک، روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی است و می‌تواند به‌عنوان راهبردی در مقابل رشد شهرهای بزرگ عمل کند (ضرابی، ۱۳۸۰: ۱۰). ولی به‌نظر می‌رسد چنین رشد و توسعه‌ای در صورتی شکل خواهد گرفت که خود این شهرها از درون دچار مشکلات شهرهای بزرگ در مقیاس خرد نباشند و فضای مناسب را برای نسل کنونی و آینده فراهم سازند. اما در سطح ملی آنچه بیش از هر مسئله دیگر در خصوص شهرهای کوچک باید مدنظر قرار گیرد، توجه به عدالت و برابری براساس شاخص‌ها و ابعاد توسعه پایدار شهری است. بنابراین با توجه به افزایش شهرهای کوچک و گسترش آنها، منطقی است که یک برنامه‌ریزی توسعه همه‌جانبه و متناسب با ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرهای کوچک پیش‌بینی شود. شهرهای کوچک امروزی پایه‌گذار شهرهای بزرگ آینده خواهند بود که با پذیرش کارکردهای جدید و توسعه کارکردهای فعلی و گسترش فیزیکی در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب، به شهرهای بزرگ‌تر با مشکلات و محدودیت‌های گوناگون تبدیل می‌شوند. از این‌رو برنامه‌ریزی توسعه پایدار برای شهرهای کوچک به‌عنوان رویکردی جدید در حیطه مطالعات شهری وارد شده است. به‌دنبال رواج پارادایم پایداری شهرهای کوچک، این الگو در زمینه‌های مختلف مسائل شهری کاربست پیدا کرد و در قالب ترکیباتی چون پایداری زیست‌محیطی، پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری کالبدی شکل یافت. در این راستا مفهوم پایداری اجتماعی - اقتصادی در چارچوب مبحث پایداری شهرهای کوچک، به‌دنبال تعادل و پویایی این سکونتگاه‌های کوچک در خصوص ساختارهای اجتماعی و اقتصادی آنهاست، به‌طوری‌که

متضمن پایداری سکونتگاه در روندهای مکانی - زمانی می شود (Bosserl, 1999: 24). پس می توان آن را فرایندی از تغییر و تحولات، با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی سطح زندگی جامعه ساکن در آن دانست؛ فرایندی که به ایجاد تعادل و پویایی حیات زیستی میان شهر و شهروندان آن می انجامد. علاوه بر این، پایداری اجتماعی این شهرها نیز به ظرفیت بازتولید آنها طی زمان در ابعاد مختلف طبیعی، فیزیکی و اقتصادی نیز بستگی دارد و به میزان زیادی بر پایه انعطاف پذیری، مشارکت، انسجام اجتماعی و تنوع اقتصادی است.

آنچه اکنون به عنوان مسئله اساسی در روند توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور ایران مطرح است، سرعت شتابان رشد شهرنشینی و هجوم مهاجران روستایی شهرهای کوچک و میانی به شهرهای بزرگ و تمرکز جمعیت و ایجاد ناهماهنگی بیشتر در توزیع جمعیت و فعالیت و تمرکز آن در شهرهای بزرگ و برهم خوردن تعادل نظام و شبکه شهری و پیدایش الگوی نخست شهری است که عمدتاً بر پایه تمرکز فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در یک شبکه شهری بزرگ اتفاق می افتد (نظریان، ۱۳۸۶: ۳۷).

این ناهمگونی و تمرکزگرایی در نظام شهری شمال کشور با شدت بیشتری وجود دارد؛ چنانکه توزیع فضایی جمعیت در بین شهرها و طبقات شهری به شدت ناموزون است، شهرهای رشت، ساری و گرگان به تنهایی حدود ۴۰ درصد جمعیت شهری استان های شمالی کشور را در خود جای داده اند و در این میان شهرهای کوچک با ناکارآمدی بسیاری مواجه اند. در چاره جویی برای رفع این ناهمگونی ها، سیاست های ایجاد و تقویت شهرهای کوچک به عنوان رویکردی و راهبرد جدید در ایجاد یکپارچگی فضایی، رفع نابرابری های شهر - منطقه ای، کاهش نخست شهری، توزیع متعادل جمعیت و فعالیت و انتقال توسعه به نواحی اطراف در دستور کار دولت و برنامه ریزی های کشور قرار گرفت. اما در شمال کشور با وجود ویژگی های طبیعی و جغرافیایی خاص، اگرچه شهرهای کوچک عرصه بسیار مناسبی برای اهداف تعادل بخشی و توسعه پایدار شهری و منطقه ای قلمداد می شوند، اما با وجود سهم بالای ۷۰ درصدی آنها از شمار شهرهای منطقه، در مقایسه با اندک شهرهای بزرگ و میانی نتوانسته اند در بارگذاری و توزیع متعادل جمعیت و ایجاد یکپارچگی پایدار فضایی منطقه نقش مطلوبی ایفا کنند و حتی خود نیز با ناپایداری و ناکارآمدی مواجه اند. چنانکه

مصادیق این ناپایداری و ناکارآمدی‌ها را در روند صعودی و افزایش شاخص نخست شهری در دوره‌های اخیر، مهاجرفرستی، نرخ بالای بیکاری و بار تکفل شغلی، نابرابری فرصت‌ها، دسترسی به خدمات، نیازهای اساسی و نظایر آن در شهرهای کوچک شمال کشور به‌روشنی قابل مشاهده است.

از این رو می‌توان گفت، در شرایط کنونی توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی در شهرهای کوچک، با در نظر گرفتن چالش‌ها و تنگناهایی که شهرها در این زمینه با آن مواجه‌اند، ضرورت بیشتری می‌یابد. شکاف‌ها و فواصل درون‌نسلی از یک سو و نابرابری‌های ناحیه‌ای و سکونتگاهی از سوی دیگر بیش‌ازپیش سکونتگاه‌های کوچک کشور و فرایند توسعه پایدار را در آنها متأثر ساخته و از این رهگذر ضرورت و اولویت توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی را در برنامه‌ریزی توسعه پایدار گوشزد می‌کند (توکلی، ۱۳۹۳: ۳)؛ برنامه‌ریزی که قبل از هر چیز مستلزم شناخت ناپایداری‌ها و میزان پایداری سکونتگاه‌های کوچک شهری است تا برپایه آن بتوان اقدام‌های هماهنگ و مناسب را در جهت پایداری آنها انجام داد.

بر این اساس پژوهش حاضر ضمن تأکید بر روابط متقابل همه ابعاد پایداری، بر ضرورت ارتقای شاخص‌های پایداری اجتماعی و اقتصادی شهرهای کوچک تأکید داشته و به تحلیل و تبیین این دو بعد در استان‌های شمالی کشور می‌پردازد. با توجه به مسائل پیش رو، در راستای خروج از فشارها و بحران‌های ناشی از ناپایداری شهرهای کوچک شمال کشور از منظر اجتماعی و اقتصادی، ابتدا باید ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و موانع رسیدن به پایداری شهرهای کوچک در منطقه شمال کشور مورد شناسایی، تحلیل و تبیین قرار گیرند تا در مراحل بعد، بتوان با برنامه‌ریزی دقیق، از این توان‌ها، برای پایداری شهرهای کوچک شمال کشور بهره جست.

۱. پیشینه پژوهش

اگرچه از طرح مباحث مربوط به پایداری در سطح مجامع بین‌المللی بیش از چند دهه نمی‌گذرد، اما در تاریخ همواره موضوع حفظ و نگهداری از جوامع برای نسل‌های آتی مطرح بوده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۱). در ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان،

به پایداری شهرها توجه شده و به تدریج در عرصه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های مختلف و سایر مؤلفه‌های پایداری به‌عنوان مفهومی فراگیر و چندبعدی مورد عنایت بوده است. با بررسی منابع مختلف مربوط به موضوع تحقیق، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان پیشینه پژوهش بیان کرد:

صفایی پور، مرادی منفرد و امیری (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه ANP، مورد شناسی: شهر زنجان»، به ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار شهری در این شهر پرداخته‌اند و در پایان راهکارهایی به منظور توسعه پایدار شهری ارائه کردند. نتایج پژوهش نشان داد که مناطق چهارگانه شهر زنجان از لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های منتخب توسعه، متفاوت بوده و بین شاخص‌های منتخب و روند توسعه پایدار در شهر زنجان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین براساس یافته‌های پژوهش شاخص‌های اقتصادی بیشترین سهم را در توسعه پایدار شهری شهر زنجان ایفا می‌کنند.

ستارزاده بردسیری (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه خود با عنوان «ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر بردسیر» به ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهر کوچک بردسیر پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد پایداری محله‌ها در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی از نظر مردم مطلوب نیست. به‌طوری‌که مقدار محاسبه شده پایداری ۴۹/۲ درصد کمتر از حد مناسب است. از لحاظ شاخص‌های پایداری، تنها محله مخلص آباد وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر محله‌ها دارد.

شمایی و لطفی مقدم (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص سازگاری در برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری به منظور پایداری اقتصادی شهر، مطالعه موردی: منطقه یک شهرداری تهران» به تحلیل وضعیت کاربری زمین شهری براساس شاخص سازگاری جهت دستیابی به پایداری اقتصادی در منطقه یک شهرداری تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد، مکان‌یابی ۴۰ درصد کاربری‌ها در محدوده ۷۰۰ متری گسل قرار دارد و مخاطره‌آمیزند. ۲۰ درصد کاربری‌ها در شیب نامناسب و همچنین ۰/۳ درصد از کاربری‌های

منطقه از لحاظ شاخص‌های آلودگی زیست‌محیطی و مزاحمت، در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و در مجموع وضعیت کنونی، ناپایداری اقتصادی شهری را به‌دنبال داشته است.

علی‌اکبری، طالشی و فرجی دارابخانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «استقرار متوازن و توسعه نامتوازن: تحلیلی بر نظام شهری غرب کلان منطقه زاگرس با تأکید بر ناپایداری و ناکارآمدی شهرهای کوچک» به این نتیجه رسیدند: روندهای شهرنشینی منطقه، تمرکزگرایی و قطبش بیشتر را موجب شده و شهرهای کوچک با وجود سهم ۴۰ درصدی، نه تنها نتوانسته‌اند یکپارچگی و تعادل فضایی را پس از ۳۵ سال بهبود بخشند، خود با ناپایداری و ناکارآمدی مواجه‌اند. این مسائل با نبود پیوندهای لازم بین طبقات شهری منطقه، موجب ناهمگونی، ناکارآمدی و تکامل نیافتگی نظام شهری آن شده است.

گنزالز گارسیا و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی پایداری شهرهای اسپانیا با توجه به شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی» به ارزیابی شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در ۲۶ شهر اسپانیا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، با توجه به اهداف شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، توجه به نرخ بیکاری و تعداد جرائم در شهرهای مورد مطالعه، باید در اولویت قرار گیرند. در عین حال، میزان مصرف برق، ضایعات جامد شهری و انتشار گازهای گلخانه‌ای در محل، از منظر زیست‌محیطی در شهرهای مورد مطالعه در سطح مطلوب است. این نتایج منافع بالقوه برای سیاستمداران، دولت‌ها و ساکنان را برای شناسایی جریان‌های متابولیک و شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی به منظور دستیابی به پایداری، بهینه می‌کند.

والتنبرگ، گنزالز و پزیکس^۲ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «انتخاب شاخص‌ها برای توسعه پایدار شهرهای کوچک نمونه: شهر والمیرا» به ضرورت و اهمیت انتخاب شاخص‌های توسعه پایدار شهرهای کوچک پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌ها باید با اولویت‌های شهرهای کوچک مرتبط باشند و همچنین باید مسائلی که این شهرها در آینده با آن مواجه می‌شوند را هم در نظر گیرند. شاخص‌هایی درباره حمل‌ونقل

1. Gonzalez-Garcia and etal.

2. Valtenbergs, Gonzalez and Piziks

عمومی، دسترسی به خدمات در سطح محله مانند درمانگاه، بهداشت و سلامت، جای پای اکولوژیکی که برای توسعه و حل مشکلات این شهرها می‌بایستی به‌عنوان معیارهایی برای نظارت پیشرفت شهرهای کوچک در چارچوبی منظم عمل کنند، ارتقا یابند.

دمپسی، برون و براملی^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «کلید توسعه شهری پایدار در شهرهای انگلستان، تأثیر تراکم بر پایداری اجتماعی» به این نتیجه رسیده‌اند که بین تراکم مسکونی و جنبه‌های پایداری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هرچه تراکم مسکونی بیشتر باشد به همان نسبت میزان پایداری شاخص‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. تراکم محله‌ای یک اثر مثبت بر استفاده از خدمات محلی و تسهیلات دارد. ساکنان محله‌های پرتراکم‌تر تمایل بیشتری به استفاده از خدمات و تسهیلات محلی خود دارند نسبت به آنهایی که از تراکم کمتری برخوردارند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. نظریه توسعه پایدار شهری

نظریه توسعه پایدار شهری، حاصل بحث‌های فراوان طرفداران محیط زیست در خصوص مسائل زیست‌محیطی، به‌ویژه محیط زیست شهری است که به‌دنبال نظریه «توسعه پایدار برای حمایت از منابع طبیعی» ارائه شد. در نظریه مذکور، بر نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد آوردن کمترین ضایعات به منابع تجدیدناپذیر تأکید شده است. جلوگیری از آلودگی محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی از مهم‌ترین مباحث این نظریه به‌شمار می‌روند (فنی و صارمی، ۱۳۹۲). همچنین راه رسیدن به این اهداف را برنامه‌ریزی‌های شهری - روستایی، ناحیه‌ای و ملی با تأکید بر کنترل کاربری‌ها و کنترل بیشتر در شهر و روستاها می‌دانند. این نظریه به‌مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید

از محیط زیست شهری حمایت همه‌جانبه‌ای کنند. توسعه شهری پایدار، سلامت اجتماعی و اکولوژیکی بلندمدت شهرها را بهبود می‌بخشد. بر این اساس محورهای اصلی پایداری شهری باید زمینه‌هایی از قبیل احیای سیستم‌های اکولوژی بومی و طبیعی، اقتصاد پایدار، کاربری فشرده با کارایی بیشتر، وسیله نقلیه شخصی کمتر، دسترسی آسان‌تر، استفاده درست از منابع، حفظ فرهنگ بومی و محلی، مشارکت مردمی و خودجوش، اکولوژی اجتماعی سالم، مسکن و محیط زندگی مناسب را دربرگیرد.

۲-۲. پایداری اقتصادی

اگر هدف توسعه پایدار را استفاده معقول و مناسب از منابع طبیعی بدانیم، بنابراین پدیده‌ای عمدتاً اقتصادی است، زیرا توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلایی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی مباحث مرتبط با بعد اقتصادی توسعه پایدار است و از آنجا که هدف توسعه پایدار توزیع برابر فرصت‌ها و برقراری عدالت بین‌نسلی در بهره‌برداری از منابع و عمدتاً با عوامل اقتصادی در ارتباط است؛ بر همین اساس پایداری در اقتصاد را می‌توان در ایجاد رشد عادلانه و متوازن جامعه انسانی و تضمین بهره‌مندی تک‌تک انسان‌ها در طول زمان، بدون وارد آوردن خدشه به منابع زیستی، طبیعی و فرهنگی تعریف کرد (جعفریان و عبدالحسین‌پور، ۱۳۸۵: ۵).

از این‌رو امروزه با روند نزولی وضعیت اقتصاد سکونتگاه‌های کوچک شهری، جابه‌جایی و مهاجرت‌های گسترده جمعیت این سکونتگاه‌ها به شهرهای بالادست، گسترش فقر و بیکاری، امنیت پایین غذایی، سطوح توزیعی نابرابر امکانات و مواردی از این دست (قدیری و ضیانوشین، ۱۳۸۹: ۲)، برنامه‌ریزی برای تقویت نظام اقتصاد شهرهای کوچک جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری را لازم و ضروری می‌کند. در این راستا ارزیابی پایداری اقتصادی زمانی به اهداف خود دست می‌یابد که این فرایند در قالب چارچوبی نظام‌مند و جامع صورت گرفته و با ارائه ابزار و شاخص‌های هدفمند همراه باشد. در واقع پرداختن به موضوع مهم ارزیابی توسعه پایداری در شهرهای کوچک این امر را قادر خواهد ساخت تا با داشتن شناختی کافی از سرزمین مطالعه شده، بتوان به برنامه‌ریزی و مدیریت آن

پرداخت. بدون چنین شناختی، برنامه‌ریزی و مدیریت در جهت پارادایم فعلی توسعه، با دشواری روبه‌روست. در پژوهش حاضر پایداری اقتصادی شهرهای مورد مطالعه براساس عوامل رفاه اقتصادی (مانند بهره‌وری و کارایی)، عدالت اقتصادی (مانند رفع فقر و توزیع درآمد) و ثبات اقتصادی (مانند تنوع‌بخشی) بررسی خواهد شد.

۲-۳. پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی، مجموعه‌ای از اقدام‌ها و خط‌مشی‌هاست که هدف آن بهبود کیفیت زندگی و دسترسی عادلانه به توزیع حقوق و استفاده و تخصیص مناسب محیط طبیعی و مصنوع است. این امر دلالت بر بهبود شرایط زندگی محلی با کاهش فقر و افزایش رضایت‌مندی از نیازهای پایه دارد (Pacion, 2009: 607). پایداری اجتماعی زیر عنوان زندگی سالم، بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است (GTZ Project Office, 2004: 2). همچنین، اطمینان از «آینده‌ای بهتر برای همه» با تأکید بر نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (زال، ۱۳۸۶: ۲۱). مورفی در تعاریف خود از پایداری اجتماعی به چهار رکن اصلی اشاره می‌کند که عبارتند از: عدالت، مشارکت، آگاهی برای پایداری و همبستگی اجتماعی (Murphy, 2012: 8). از طرفی پایداری اجتماعی همان کیفیت جوامع^۱ و ماهیت روابط اجتماعی و به‌نوعی نشان‌دهنده روابط درونی جامعه است (Littig and Griessler, 2005: 65). به‌طور کلی پایداری اجتماعی در دو بعد مفهومی مورد توجه قرار گرفته است: عدالت اجتماعی که به توزیع عادلانه منابع و اجتناب از روش‌های انحصاری اشاره داشته و اجازه می‌دهد افراد یک جامعه به‌طور کامل در جامعه و مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مشارکت داشته باشند که این امر ارتباط نزدیکی با مفهوم دوم یعنی عدالت محیطی پیدا می‌کند. درخصوص محیط ساخته شده، عدالت اجتماعی به‌معنای توجه به ماهیت و وسعت دسترسی به خدمات و امکاناتی است که در منطقه استقرار یافته است. بدین ترتیب، پایداری اجتماعی، شامل طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی، وجود تعامل میان ساکنان یک محله، وجود

مشارکت میان نهادهای رسمی و غیررسمی محلی، ثبات نسبی در جامعه که هر دو گروه ساکنان و غیرساکنان را دربرمی‌گیرد و سطحی از اعتماد را به وجود می‌آورد که حس مثبتی از هویت و غرور را در جامعه ایجاد می‌کند (Dempsey, Brown and Bramley, 2012: 94).

توسعه پایدار اجتماعی همانند توسعه پایدار جامعه انسانی، جنبه‌های محیطی، مادی، اجتماعی، اقتصادی، قانونی، فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی دارد که باید همه این جوانب مدنظر قرار گیرد (Bossel, 1999: 2). بسترسازی برای ظهور و بروز خلاقیت‌ها، بسیج آحاد مردم در راستای تأمین اهداف توسعه پایدار و نیز اطمینان از آینده‌ای بهتر برای همه با تأکید بر رفاه مردم بومی و نقش حیاتی آنها در مدیریت محیطی و توسعه از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (Moffatt, 1996: 66). اگرچه تعریفی شفاف از ارزیابی آثار اجتماعی در ادبیات پایداری وجود ندارد، اما معمولاً این نوع ارزیابی تلاشی نظام‌مند برای شناسایی، تحلیل و ارزیابی آثار اجتماعی پروژه‌ها یا سیاست‌ها بر افراد، گروه‌های مردمی و در مجموع بر کل اجتماع را شامل می‌شود (Brouwer and Ek, 2004: 2).

مفهوم پایداری اجتماعی در چارچوب مبحث پایداری شهرهای کوچک، بیانگر تعادل و پویایی این سکونتگاه‌های کوچک درخصوص ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است، به‌طوری‌که متضمن پایداری سکونتگاه در روندهای مکانی - زمانی شود. پس می‌توان آن را فرایندی از تغییر و تحولات، با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی ساختار اجتماعی این شهرها دانست. پژوهش حاضر نیز، پایداری اجتماعی شهرهای مورد مطالعه را براساس عواملی مانند سلامت و امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی، مشارکت اجتماعی و دسترسی به زیرساخت‌های نهادی مورد بررسی قرار داده است.

۴-۲. شهرهای کوچک و توسعه پایدار

در طول تاریخ بشری، عصر حاضر بیشترین بهره‌برداری محیطی را به‌دلیل تقاضا، عملکرد و توسعه شهرها و شهرنشینان به خود دیده است. شهرها و به‌طور عمده شهرهای بزرگ و متوسط (در مقیاس جمعیتی)، گرهگاه‌ها و کانون‌ها بیشترین برخورد و تأثیر را در طبیعت داشته‌اند و توسعه پایدار که به نحوی این ارتباط را تا حدی ناسالم زیر سؤال می‌برد، موضوع

تفکربرانگیز مباحث توسعه‌ای اخیر است. اغلب مباحث درباره توسعه پایدار این است که نیازهای موجود جامعه را بدون به خطر انداختن توانمندی‌های آتی برای رفع نیازهای بشری، برآورده می‌سازد.

چنانچه مطالعه و بررسی‌های محققان در کشورهای جهان نشان می‌دهد، شهرهای کوچک یکی از موفق‌ترین نمونه سکونتگاهی در زمینه تحقق توسعه پایدار هستند؛ چراکه با پایداری ساختار درونی در این شهرها می‌توانند به‌عنوان مراکز خدماتی برای شهرک‌ها و روستاهای اطراف خود، اغلب خصایص پایداری را نیز ارائه و انتقال دهند، هرچند در این کانون سکونتگاهی، شرایط محلی به‌طور چشمگیر تغییر می‌یابد.

بسیاری از شهرهای کوچک جهان، طی سال‌های اخیر رشد یافته‌اند و تقریباً از نظر زیست‌محیطی بسیار ایدئال به‌نظر می‌رسند؛ چراکه محیط زیستی نیمه‌روستایی و کوچک‌مقیاس با اقتصاد و شرایط اجتماعی رو به رشد و ترقی، با خدمات کافی برای تحقق درجه بالایی از خودتکایی و خودگردانی را ایجاد می‌کنند. در آینده‌ای نه‌چندان دور، شهرهای کوچک نیز از جوانب زیست‌محیطی، تحت فشارهای مختلفی قرار خواهند گرفت، مگر در صورتی که برنامه تمرکززدایی و پخش نیرو و امکانات از شهرهای بزرگ به‌سوی سطوح پایین‌تر و این شهرها، به‌طور قابل توجهی انجام شود (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۸: ۲۴). یکی از نتایج رشد سریع برخی شهرهای کوچک، پدید آمدن مشکلات ترافیکی و حمل‌ونقل است؛ به‌این‌ترتیب، تقویت سیستم حمل‌ونقل عمومی شهر و در بعضی موارد، افزایش کلی در اندازه و وسعت شهر، به بهبود و پیشرفت تردد و حمل‌ونقل عمومی آن کمک خواهد کرد. بسیاری از این شهرها، مراکز و بناهای تاریخی دارند و تاجایی که باید معیار و ضوابط دستیابی به اهداف پایداری جهت حفظ و حراست آنها فراهم شود. شکی نیست که بسیاری از سنجه‌های پایداری، نظیر: پیاده‌روسازی، تنظیم موتور اتومبیل‌ها، انتقال منابع آلوده‌ساز به بیرون و تجدید حیات منابع کمیاب، قویاً حفظ و حراست از بناها و اماکن تاریخی را مساعد می‌کند. بدین ترتیب با تقویت ساختار درونی شهرهای کوچک و ایجاد زمینه‌های جاذبه در این شهرها می‌توان جمعیت را به‌سمت این گروه از شهرها کشانید و به‌نوعی، پایداری را در این شهرها تقویت کرد.

۵-۲. ضرورت‌های توجه به شهرهای کوچک در فرایند پایداری

تداوم روند شهرنشینی در ۵۰ سال گذشته باعث شده است که بیش از نیمی از جمعیت جهان هم‌اکنون در مناطق شهری زندگی کنند. از نظر تعداد مطلق جمعیت، ساکنان مناطق شهری بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ تقریباً چهار برابر (حدود ۷۳۴ میلیون نفر به ۲/۷۵۸ میلیارد نفر) شده است. به‌ویژه در دو دهه گذشته، جهانی شدن از طریق پیشرفت سیستم‌های حمل‌ونقل و ارتباطات این فرایند را تحریک کرده است و ازسویی وجود فضای سیاسی مناسب و مثبت نسبت به جهانی شدن، یک اقتصاد جهانی با سطوح بی‌سابقه‌ای از شهرنشینی و تعدد شهرها نسبت به گذشته را فراهم آورده است (Cohen, 1995). به‌طوری‌که پیش‌بینی شده است طی سال‌های آینده (۲۰۳۰-۲۰۱۵) جمعیت جهان با نرخ رشدی در حدود ۱/۸ درصد در سال افزایش یابد؛ یعنی چیزی در حدود دو برابر رشد مورد انتظار برای کل جمعیت جهان (تقریباً ۱ درصد در سال) که با این نرخ رشد، می‌توان انتظار داشت جمعیت شهری جهان طی ۲۸ سال دو برابر شود. جمعیت‌شناسان پیش‌بینی کرده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. در واقع در آینده با یک سیاره شهری روبه‌رو خواهیم بود (Ibid.).

روی دیگر سکه شهرنشینی این است که چنین پدیده‌ای به شکل متوازن یا با توزیع یکسان جغرافیایی ظاهر نشده است و گرایش به قطبی شدن دارد. تمرکز فزاینده جمعیت در تجمع‌های شهری بزرگ، از دیگر تبعات فضایی این روند است که همکاری آشکاری با فرایند جهانی شدن اقتصاد دارد. چنین قطبی شدن و تمرکزگرایی جمعیت شهری، توازن نظام‌های اسکان را بر هم می‌زند و بازسازی نظام سکونتگاهی را ضروری می‌سازد. رشد سریع و کنترل نشده این تمرکزگرایی، تبعات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی خاصی را به همراه داشته است (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۰: ۸۲). لذا رشد سریع شهرهای بزرگ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به ظهور مسائلی مانند کمبود واحدهای مسکونی، بالا بودن میزان بیکاری، مشکلات اقتصادی، فقر، حاشیه‌نشینی، آلودگی زیست‌محیطی و غیره منجر شده است. همین امر خود موجب نابرابری خدمات و امکانات و کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی شده است.

بر همین اساس، عده زیادی از محققان عقیده دارند که باید برنامه‌ریزی‌های توسعه براساس تأکید بر پویایی سکونتگاه‌های کوچک شهری انجام شوند، چراکه با وجود امکانات و خدمات مشابه در این شهرها از مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به کلان‌شهرها در سطح منطقه‌ای جلوگیری خواهد شد و مهاجران، شهرهای کوچک و درجه دوم را برای زیست خود انتخاب می‌کنند. به هر حال، این شهرها نسبت به شهرهای بزرگ بار اقتصادی کمتری را بر خانوارها تحمیل می‌کنند و در مقابل انواع آلودگی‌هایی که در کلان‌شهرها به‌طور جدی وجود دارند، از مصونیت بیشتری برخوردارند. جذب مهاجران در شهرهای کوچک، با کند کردن روند افزایش جمعیت شهرهای بزرگ به تعدیل مسائل در این شهرها کمک فراوان می‌کند. از طرفی، تأمین امکانات لازم در این شهرها، سیستم سکونتگاهی کشورهای در حال توسعه را متعادل و متوازن می‌سازد و این سیستم در توسعه اجتماعی - اقتصادی ملی نقش اساسی دارد. در نتیجه بدین ترتیب روابط شهر و روستا در مسیر توسعه همه سکونتگاه‌ها گسترش می‌یابد و با این دگرگونی، پایگاه بخش کشاورزی در ناحیه نیز تقویت می‌شود (شکوهی، ۱۳۷۷: ۴۱۴). همچنین توسعه و تقویت شهرهای کوچک سیاستی است که با اهداف تمرکززدایی انطباق دارد و در درازمدت وضعیتی ایجاد می‌شود که توان فعالیت‌های تولیدی را درون این کانون‌ها تقویت می‌کند، این شهرها کل منطقه را تحت تأثیر عملکرد و نقش خود قرار می‌دهند و می‌توانند مجموعه عوامل لازم را برای شکوفایی مناطق پیرامونی خود فراهم سازند. این امر فقط با پیگیری تأمین امکانات زیربنایی، آموزشی و بهداشت و درمان در این شهرها تحقق‌پذیر خواهد بود. بنابراین کانون‌های کوچک شهری با توسعه متوازن و هماهنگ با شرایط محیطی خود، ضمن کاهش تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی درون منطقه‌ای، به تحقق عوامل و زمینه‌های توسعه پایدار می‌انجامد (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۸: ۳۵).

۶-۲. سنجش پایداری

در عرصه سنجش پایداری، کارهای پژوهشی و اجرایی بسیاری در آن به انجام رسیده است. ابزارها و روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری پیشرفت به سمت توسعه پایدار طراحی شده‌اند، اما با وجود دیدگاه‌های متفاوت در مورد پایداری، نبود یک روش پذیرفته شده همگانی و

قابل کاربرد در همه مناطق و بخش‌ها، جای تعجب نیست (بل و مورس، ۱۳۸۶: ۳۰). اگر پایداری را از شرایط رفاه متداوم جامعه در نظر بگیریم، می‌توان گفت که در عصر مدرن؛ فرایند اندازه‌گیری از اواخر دهه ۱۹۴۰ شروع شد. آنجا که مدل‌های تولید ناخالص داخلی^۱ و تولید ناخالص ملی^۲ به‌عنوان شاخص کلی رفاه یک ملت مبنای قرار گرفت (Bossel, 1999) و البته با اعتراض‌های گسترده‌ای مواجه شد و تا به امروز نیز ادامه دارد که طرفداران اقتصاد اکولوژیک و رویکرد پایداری قوی در رأس آنها قرار دارند.

اسپانگنبرگ^۳ (۲۰۰۵) معتقد است که از نقطه نظر علمی، مواردی مثل ابزار اندازه‌گیری جامع یا شاخص پایداری نمی‌تواند وجود داشته باشد (Kumar Singh and etal., 2009) وارهوست اندازه‌گیری توسعه پایدار را رویکردی دوحله‌ای^۴ در نظر می‌گیرد که در قدم اول پیشرفت‌های صورت گرفته را در زمینه‌های مشخص انتخاب کرده و توسط شاخص‌های توسعه پایدار اندازه‌گیری می‌شوند و در قدم دوم، پیشرفت‌های محقق شده در زمینه توسعه پایدار را از طریق ترکیب آنها و بررسی ارتباط متقابل بین آنها مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Warhurst, 2002: 15). شاید مقبول‌ترین رهیافت برای اندازه‌گیری پایداری و توسعه پایدار، به‌کارگیری معرف‌ها و شاخص‌هاست (Bell and Morse, 2003: 16). اما مطابق با گفته‌های لانکروبیج کمپ^۵ در سال ۲۰۰۰، شاخص‌های موجود به‌طور کامل به تنهایی توان بازگویی همه‌چیز را در مورد پایداری ندارند، مگر آنکه یک ارزش مرجع همچون آستانه‌ها و اندازه‌های مشخصی برای هر شاخص وجود داشته باشد (یاری حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۹).

به‌طوری‌که هدف اندازه‌گیری یا سنجش پایداری، ارائه یک نمای کلی از وضعیت پایداری در سطح فضا است که می‌تواند به‌صورت یک طیف از پایداری کامل تا ناپایداری کامل امتداد یافته و در نهایت زمینه‌های شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری را فراهم سازد (همان: ۶۸).

-
1. Gross Domestic Product (GDP)
 2. Gross National Product (GNP)
 3. Spangenberg
 4. Two-step Approach
 5. Lankrobij Kamp

۲-۷. مدل‌های اندازه‌گیری پایداری بر مبنای شاخص‌ها

مدل‌های اندازه‌گیری پایداری از هنگام طرح نظریه توسعه پایدار و به‌ویژه شاخص‌های آن، زمینه بروز و ظهور یافته‌اند. برخی از مدل‌ها به گونه‌ای سازمان یافته‌اند که صرفاً به‌عنوان مدل اندازه‌گیری تلقی نمی‌شوند، بلکه بسته‌ای واحد با شاخص‌های تعریف شده‌اند که فرایند طراحی و اندازه‌گیری شاخص‌های پایداری را به‌طور هم‌زمان و توأمان دربرداشته و به عبارتی امکان دخل و تصرف و جایگزینی در آنها وجود ندارد؛ چون نمی‌توان بدون شاخص در این زمینه اقدام کرد. افزون‌براین، با توجه به وسعت موضوع، تدوین رهیافت‌های جامع در کاربرد شاخص‌ها به چالشی قابل توجه تبدیل شده است. در حال حاضر روش‌های زیادی ابداع شده که به جنبه‌های متفاوتی از توسعه پایدار و سنجش پایداری اشاره دارند و به‌صورت تصویری کلی در کنار هم قرار می‌گیرند و بعضی دیگر هم به تبادلی نظر درباره شاخص‌ها می‌پردازند. یکی از مطالعات دقیق انجام گرفته در این زمینه تحقیق باسل (۱۹۹۹) است. وی پنج مدل برای ارزیابی و سنجش پایداری براساس شاخص‌ها و معرف‌ها ارائه کرده که عبارتند از: ۱. جای پای اکولوژی،^۱ ۲. میزان سنج یا بارومتر پایداری،^۲ ۳. انتخاب ویژه یا آزمون و خطای معرف‌ها،^۳ ۴. چارچوب فشار - فشار - وضعیت موجود - واکنش،^۴ ۵. رویکرد اندام‌وار (Bossel, 1999: 13).

افزون‌براین در فرایند تکاملی ادبیات پایداری، می‌توان به مدل‌های دیگری همانند رادار پایداری (کب و ب)، داشبورد پایداری، روش‌های تحلیل چندمعیاری و تاپسیس برای اندازه‌گیری و سنجش پایداری براساس شاخص‌های پایداری اشاره کرد. در پژوهش حاضر برای سنجش پایداری از مدل‌های میزان سنج یا بارومتر پایداری پرسکات آلن و رادار پایداری استفاده شده است.

بارومتر پایداری: هم‌زمان با تدوین شاخص‌های توسعه پایدار در آژانس ۲۱، کمیسیون ملل متحد^۵ فهرستی را شامل ۱۴۰ شاخص منتشر کرده که همه وجوه و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نهادی را دربرگرفته است و به منظور اینکه هر دو بعد ترکیب‌های اجتماعی

-
1. Ecological Footprint
 2. Barometr of Sustainability
 3. Pressure - state - action
 4. Systemic Approach
 5. Commission on Sustainable Development (CSD)

تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار ... _____ ۲۱

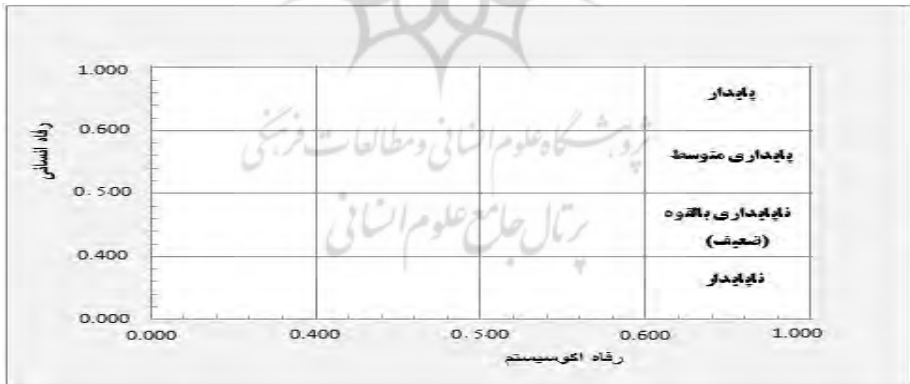
و زیست محیطی توسعه پایدار ارزیابی شود، بارومتر پایداری ارائه شده است که مرکب از دو عنصر اصلی به نام‌های رفاه اکوسیستم و رفاه انسانی است که هر دوی آنها باید برای رسیدن به شرایط پایداری ارتقا یابند (جداول ۱ و ۲) (Prescott Allen, 1995).

جدول ۱. طبقه‌بندی پایداری از دیدگاه پرسکات آلن

سطوح	حالت‌های پایداری	ارزش
اول	ناپایدار	۰-۳۹
دوم	ناپایداری بالقوه (ضعیف)	۴۰-۴۹
سوم	متوسط	۵۰-۵۹
چهارم	پایدار	۶۰-۱۰۰

Source: Prescott Allen, 1995.

جدول ۲. جدول بارومتر پایداری پرسکات آلن



Source: Ibid.

همان گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد، پیش فرض اساسی این مدل تحت عنوان تخم مرغ رفاه آمده است که انسان به عنوان کانون یا زرده تخم مرغ توسط سفیده احاطه شده که در این مدل اکوسیستم است (Sors, 2001: 12).

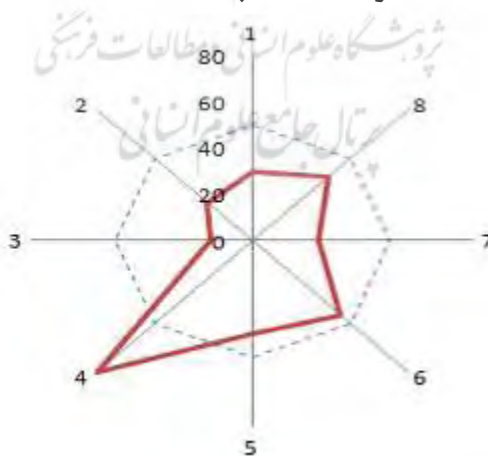
شکل ۱. تخم مرغ پایداری پوسکات آلن

<p>اکوسیستم شرایط نامناسب با زویه زوال</p> <p>سیستم انسانی شرایط نامناسب با زویه زوال</p>	<p>اکوسیستم شرایط نامناسب با زویه زوال</p> <p>سیستم انسانی شرایط مناسب با زویه بهبود</p>	<p>اکوسیستم شرایط مناسب با زویه بهبود</p> <p>سیستم انسانی شرایط نامناسب با زویه زوال</p>	<p>اکوسیستم شرایط مناسب با زویه بهبود</p> <p>سیستم انسانی شرایط مناسب با زویه بهبود</p>
فضای ناپایدار	فضای ناپایدار	فضای ناپایدار	فضای پایدار

Source: Prescott Allen, 1995:49.

مدل رادار: این مدل به طور عام شامل یک چندضلعی است که از هر ضلع یک محور عمود بر مرکز آن امتداد یافته است. در مدل رادار به ازای هر شاخص، یک ضلع و یک محور وجود دارد و عملکرد یا شرایط اندازه گیری شده مرتبط با هر شاخص روی محورها مشخص شده و در نهایت نقاط مرتبط با شاخص ها به هم وصل خواهند شد (نمودار ۱).

نمودار ۱. رادار پایداری وانگ



Source: Wong, 2006: 90.

در مدل رادار، یک مبنای استاندارد وجود دارد که سایر شاخص‌ها براساس آن ارزیابی می‌شوند. این مبنا ارزش بهینه برای دستیابی به شرایط توسعه پایدار را نشان می‌دهد که نسبت ۱ یا ۱۰۰ است و در هر محور ارزش شاخص مورد نظر باید با این مبنا منطبق باشد. مدل همچنین توان یکپارچگی مجموعه‌ای از شاخص‌های مختلف و متنوع را با هم دارد (Wong, 2006: 90).

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر برحسب نوع روش، توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی است و گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) و مشاهده (مطالعات میدانی) انجام شده است. در بخش تجزیه و تحلیل از مدل بارومتر پایداری و رادار پایداری مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این راستا، ابتدا یک مدل سه سطحی از مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مؤثر در توسعه پایدار شهرهای کوچک شمال کشور ارائه شد. گفتنی است، برای تعیین معیارها و شاخص‌های موجود در مدل، از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و این معیارها و شاخص‌ها با توجه به نظرهای مختلف در زمینه توسعه پایدار شهری و بررسی تجارب جهان و ایران استخراج شده‌اند. برای انتخاب نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش از روش دلفی و نظرسنجی از خبرگان استفاده شده است. از این رو، پرسشنامه‌ای طراحی و میان ۴۵ نفر از متخصصان و اساتید دانشگاهی توزیع و تکمیل شد.

علاوه بر داده‌هایی که با نظرسنجی از جامعه آماری و شهرهای نمونه از طریق پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفت، اطلاعات برخی شاخص‌ها از طریق داده‌های رسمی از مراجع آماری به‌ویژه مرکز آمار کشور، طرح آمایش و گزارش اقتصادی - اجتماعی استان‌های گیلان، مازندران و گلستان تهیه شد و محدوده مکانی این تحقیق نیز مرزهای اداری - سیاسی این استان‌هاست. جامعه آماری این تحقیق همه شهرهای کوچک در این سه استان را شامل می‌شود که جمعیتی کمتر از ۵۰ هزار نفر دارند؛ اما از آنجا که بیشتر شهرهای کوچک ویژگی‌هایی مانند جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر، ماهیت روستایی، نداشتن طرح‌های شهری و ناهمگونی ساختاری دارند و از سویی باید نمونه‌های مورد مطالعه ما، یکنواخت و یک‌دست باشند، جامعه نمونه از بین شهرهایی انتخاب شدند که براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیتی بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر داشته‌اند. تعداد کل شهرهای

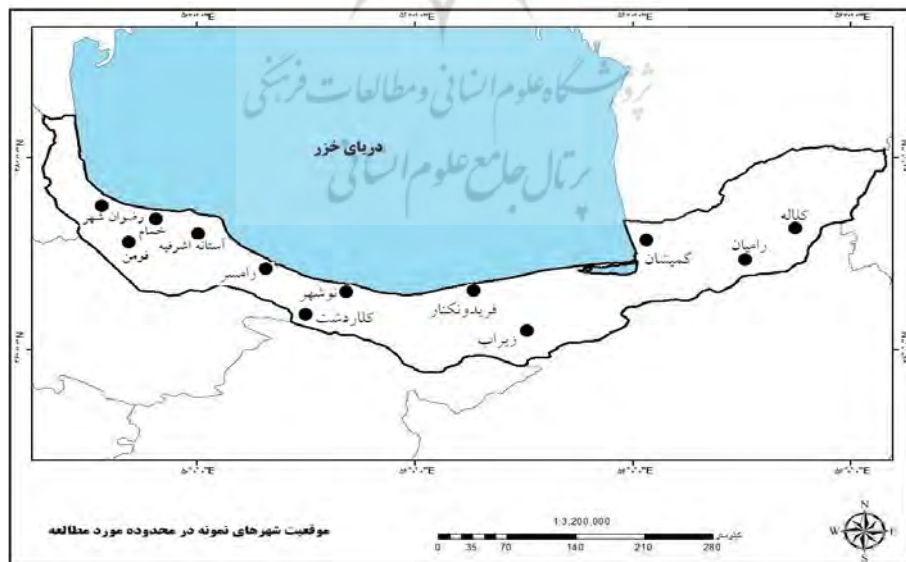
نمونه ۱۲ شهر است که در مجموع جمعیتی حدود ۳۴۳۱۳۷ نفر دارند. انتخاب خانوارهای شهری به روش «تصادفی سیستماتیک» و انتخاب شهرها به روش «تصادفی خوشه‌ای» بوده است (جدول ۳ و نقشه ۱).

جدول ۳. جمعیت شهرهای کوچک مورد مطالعه براساس سرشماری سال ۱۳۹۵

استان گیلان		استان مازندران		استان گلستان	
شهر	جمعیت	شهر	جمعیت	شهر	جمعیت
آستانه اشرفیه	۴۴۹۴۱	زیرآب	۱۶۱۹۱	رامیان	۱۲۴۲۶
خمام	۲۰۸۹۷	رامسر	۳۵۹۹۷	کلاله	۳۶۱۷۶
رضوان شهر	۲۰۵۱۹	فریدونکنار	۳۸۱۵۴	گمیشان	۱۹۱۹۱
فومن	۳۵۸۴۱	نوشهر	۴۹۴۰۳		
		کلاردشت	۱۳۴۰۱		

مأخذ: مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.

نقشه ۱. شهرهای کوچک در محدوده مورد مطالعه



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در این تحقیق ۳۸ شاخص برای ارزیابی پایداری اجتماعی - اقتصادی که متناسب با ساختار شهرهای کوچک کشور و به ویژه شهرهای استان‌های شمالی و محیط این شهرها بوده، به روش نظر سنجی از خبرگان علمی انتخاب و گزینش شد. در جدول ۴، مؤلفه‌ها و معیارهای مورد نظر نشان داده شده است.

جدول ۴. فهرست شاخص‌های پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک مورد مطالعه

ابعاد	مؤلفه‌ها	معیارها	شاخص‌ها
اجتماعی	منابع انسانی	پویایی جمعیت و آموزش	تراکم نسبی جمعیت، درصد نرخ رشد جمعیت، درصد مهاجران وارد شده به کل جمعیت، معکوس بار تکفل، معکوس خانوار به مسکن، نرخ باسوادی
	مراقبت‌های اجتماعی	سلامت و امنیت اجتماعی، مشارکت	تعداد و نوع بیمارستان به ازای هر ۱۰ هزار نفر، تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ۵۰۰۰ نفر، تعداد داروخانه به ازای هر ۵۰۰۰ نفر، تعداد پزشک عمومی به ازای هر ۲۰۰۰ نفر، رضایتمندی از امنیت عمومی در شهر، درصد برخورداری خانوارها از حمایت‌های بیمه‌ای، رضایتمندی از زندگی
	زیرساخت‌های نهادی	ساختار نهادی	سطح عملکردی شهر در شاخص خدماتی، رضایت از کیفیت خدماتی عمومی
	کیفیت زندگی	کیفیت اشتغال و درآمد، خدمات و مسکن	نرخ اشتغال، درصد رضایت شغلی در گزینه زیاد، درصد رضایت از درآمد، تعداد خدمات عمومی به هر ۱۰۰۰ نفر، درصد خانوار برخوردار از مسکن، سطح رضایت از مسکن در گزینه زیاد، میزان رضایت از زندگی در شهر، تمایل به سرمایه‌گذاری در شهر محل سکونت
اقتصادی	عدالت اقتصادی	رفع فقر	نرخ اشتغال زنان، تعداد کارگاه‌های صنعتی به هر ۱۰۰۰۰ نفر، نرخ بیکاری، درصد جمعیت واقع در زیر خط فقر، نرخ اشتغال مردان
	رفاه اقتصادی	کارایی و بهره‌وری	نرخ پس‌انداز واقعی، نرخ تغییر درآمد سالانه، نسبت درآمد به هزینه، بار تکفل اقتصادی، نسبت اشتغال در فعالیتهای غیرکشاورزی
	ثبات اقتصادی	کاهش آسیب‌پذیری و تنوع‌بخشی	ضریب ثبات شغلی، سطح عملکردی شهر در شاخص اقتصادی، تنوع عملکردی شهر در شاخص اقتصادی، نرخ اشتغال در جمعیت فعال

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳-۱. روش‌شناسی تحلیل داده‌های پایداری

اطلاعات گردآوری شده از طریق روش‌های پیمایشی و اسنادی مرتبط با هر کدام از شاخص‌ها، معیارها و مؤلفه‌ها در ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پس از طبقه‌بندی جهت آماده‌سازی برای وارد کردن به مدل بارومتر پایداری در چند مرحله به شرح زیر مورد پردازش قرار می‌گیرند:

۱. **تهیه جدول داده‌های خام:** در این مرحله داده‌های اولیه که با روش‌های اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده‌اند، در یک جدول و با توجه به شاخص‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.

۲. **تهیه جدول داده‌های همسو:** برخی از شاخص‌های موجود در جدول داده‌های خام با هم همسو نیستند. به‌طور مثال، نرخ اشتغال شاخصی مثبت بوده که ارزش بالای آن واجد ارزش است و نرخ بیکاری شاخصی منفی است که ارزش کمتر آن مدنظر است. از این رو با معکوس کردن شاخص‌های منفی تمام داده‌ها همسو می‌شوند. در جدول داده‌های همسو در این تحقیق ارزش بیشینه هر شاخص مطلوب‌ترین حالت آن شاخص محسوب می‌شود.

۳. **تهیه جدول داده‌های هم‌مقیاس:** هر کدام از شاخص‌های موجود در جدول داده‌ها واحد متفاوتی دارند؛ لذا باید با بی‌مقیاس کردن آنها امکان مقایسه و بررسی تطبیقی آنها را فراهم آورد. در این بررسی از طریق روش بی‌مقیاسی فازی شاخص‌های موجود بی‌مقیاس شده‌اند.

$$r_{ij} = \frac{x_{ij} - x_j^{\min}}{x_j^{\max} - x_j^{\min}}$$

در این فرمول که برای بی‌مقیاس کردن شاخص‌های با جنبه مثبت به کار می‌رود x_{ij} برابر ارزش شاخص i ام، x_j^{\min} برابر کمینه شاخص j ام و x_j^{\max} برابر بیشینه شاخص j ام است.

$$r_{ij} = \frac{x_j^{\max} - x_{ij}}{x_i^{\max} - x_j^{\min}}$$

در این فرمول نیز که برای بی‌مقیاس کردن شاخص‌های با جنبه منفی به کار می‌رود x_{ij} برابر ارزش شاخص i ام، x_j^{\min} برابر کمینه شاخص j ام و x_j^{\max} برابر بیشینه شاخص j ام است.

۴. **تهیه جدول داده‌های نهایی:** یکی از مهم‌ترین گام‌های تحلیل شاخص‌ها، محاسبه ارزش نهایی هر شاخص است. این کار با اعمال میزان ارزش هر کدام از شاخص‌ها انجام می‌گیرد که در مرحله استخراج شاخص‌ها به‌دست آمده‌اند. بدین منظور، در این مرحله ارزش هر شاخص در ضریب اهمیت آنچه با نظرسنجی از نخبگان به‌دست آمده، ضرب شده است سپس این داده‌ها ارزش واقعی و نهایی مربوط به هر شاخص را در ابعاد مختلف نشان می‌دهد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. سنجش و تحلیل پایداری اجتماعی - اقتصادی

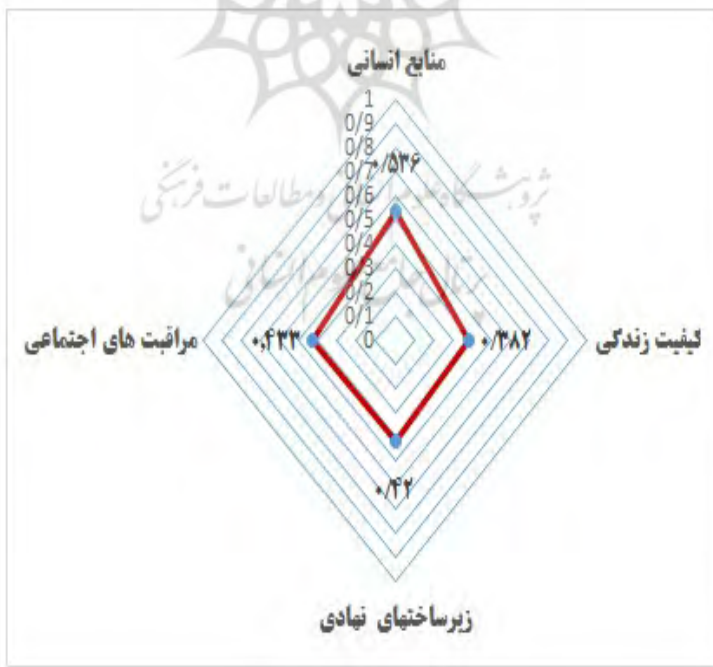
تحلیل وضعیت پایداری مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک مورد مطالعه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی به ترتیب با ارزش ۰/۳۸۳ و ۰/۳۸۲ در پایین‌ترین سطح از سنجش پایداری و مؤلفه منابع انسانی با ارزش ۰/۵۳۶ در شرایط بهتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها قرار داشته‌اند. همچنین بررسی وضعیت مؤلفه‌های پایداری اجتماعی - اقتصادی در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که در ۶ شهر مؤلفه‌های پایداری در شرایط ناپایدار، در چهار شهر مورد مطالعه، مؤلفه‌ها در شرایط پایداری ضعیف (ناپایداری بالقوه) و در یک شهر نیز وضعیت پایدار حاکم است (جدول ۵).

جدول ۵. وضعیت پایداری مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک مورد مطالعه

نام شهر	مؤلفه‌های پایداری اقتصادی			مؤلفه‌های پایداری اجتماعی			وضعیت پایداری	
	عدالت اقتصادی	رفاه اقتصادی	ثبات اقتصادی	منابع انسانی	مواقبت‌های اجتماعی	زیرساخت‌های نهادی		کیفیت زندگی
فومن	۰/۳۳۵	۰/۲۰۱	۰/۴۵۰	۰/۵۲۳	۰/۳۲۰	۰/۴۵۰	۰/۲۷۶	ناپایدار
رامیان	۰/۲۷۶	۰/۳۱۰	۰/۳۸۶	۰/۵۹۱	۰/۳۷۰	۰/۳۵۰	۰/۳۸۱	ناپایدار
کلاله	۰/۲۸۸	۰/۳۶۵	۰/۳۸۹	۰/۴۳۳	۰/۳۵۴	۰/۴۹۳	۰/۳۲۴	ضعیف
رضوانشهر	۰/۵۸۳	۰/۴۱۶	۰/۱۵۲	۰/۳۹۲	۰/۶۲۹	۰/۳۷۹	۰/۶۹۳	ضعیف
گمیشان	۰/۴۷۳	۰/۳۶۲	۰/۴۰۰	۰/۵۱۲	۰/۳۱۶	۰/۳۲۳	۰/۲۷۸	ناپایدار
خمام	۰/۴۷۶	۰/۴۲۴	۰/۳۸۱	۰/۳۰۰	۰/۳۳۴	۰/۳۲۰	۰/۳۶۲	ناپایدار
زیرآب	۰/۳۱۴	۰/۳۵۸	۰/۲۰۴	۰/۳۸۵	۰/۵۴۳	۰/۴۷۹	۰/۱۷۲	ناپایدار
رامسر	۰/۶۶۷	۰/۶۱۲	۰/۷۲۸	۰/۶۴۸	۰/۳۹۴	۰/۴۶۱	۰/۶۵۲	پایدار
فریدونکنار	۰/۴۸۲	۰/۲۰۱	۰/۳۸۶	۰/۸۹۰	۰/۴۲۲	۰/۳۸۷	۰/۴۵۸	ضعیف
آستانه اشرفیه	۰/۲۶۷	۰/۶۵۳	۰/۲۸۷	۰/۸۴۵	۰/۱۶۲	۰/۵۴۰	۰/۱۹۸	ضعیف
نوشهر	۰/۶۳۳	۰/۷۱۶	۰/۷۵۶	۰/۴۶۲	۰/۶۵۲	۰/۳۸۱	۰/۵۹۰	متوسط
کلاردشت	۰/۳۶۳	۰/۴۰۲	۰/۳۱۲	۰/۵۲۷	۰/۴۱۷	۰/۳۱۲	۰/۲۹۳	ناپایدار
میزان پایداری کل	۰/۴۷۳	۰/۴۱۲	۰/۳۸۳	۰/۵۳۶	۰/۴۳۳	۰/۴۲۰	۰/۳۸۲	ضعیف

نمودارهای ۲ تا ۴ نیز وضعیت پایداری مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی را در شهرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بررسی وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی در شهرهای کوچک مورد مطالعه در شمال کشور هیچ کدام از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی و اقتصادی در شرایط پایدار قرار ندارند و تنها مؤلفه منابع انسانی در شرایط پایداری متوسط قرار دارد (نمودارهای ۲ و ۳). در مجموع نیز تحلیل وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی حکایت از شرایط پایداری ضعیف در شهرهای کوچک شمال کشور دارد (نمودار ۴). نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی تنها در دو شهر رامسر و نوشهر در شرایط مناسب قرار دارند و سایر شهرها شرایط مطلوبی ندارند (نقشه ۲). به نظر می‌رسد استقرار فعالیت‌های توریستی و اقتصاد فعال گردشگری نقش مؤثری در هدایت این دو شهر به سمت پایداری اقتصادی - اجتماعی داشته است.

نمودار ۲. رادار مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه



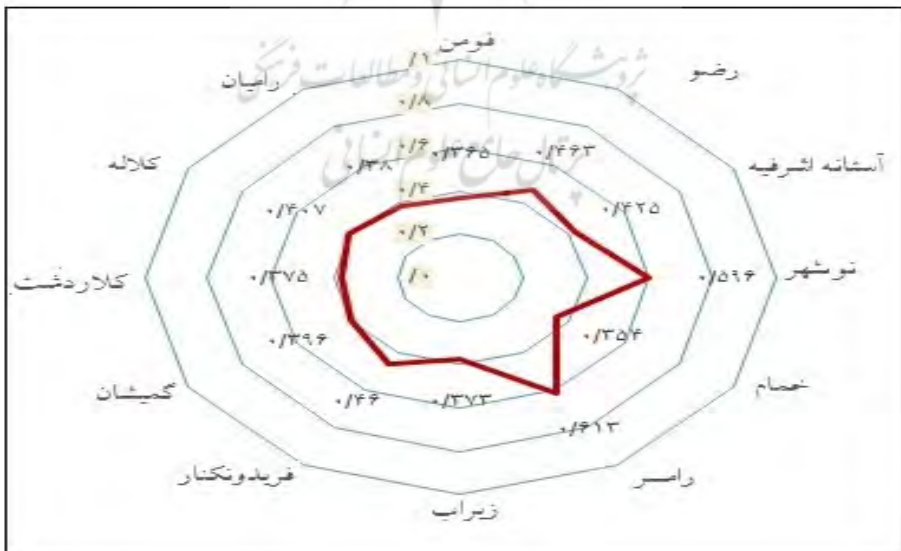
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نمودار ۳. رادار مؤلفه‌های پایداری اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه



مأخذ: همان.

نمودار ۴. میزان پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک مورد مطالعه



مأخذ: همان.

بررسی میزان پایداری شهرهای کوچک مورد مطالعه در خصوص تعداد جمعیت، نشان می‌دهد شهرهای کوچک با جمعیت بالاتر، گرایش بیشتری به سمت پایداری دارند، به گونه‌ای که هرچه بر جمعیت شهرها افزوده می‌شود، به همان نسبت وضعیت پایداری مناسب‌تر می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷. جمعیت و میزان پایداری در شهرهای کوچک مورد مطالعه

جمعیت	تعداد شهرها	درصد شهرها	ارزش پایداری
۱۰ تا ۲۰ هزار نفر	۴	۰/۳۳	۰/۳۷۱
۲۰ تا ۳۵ هزار نفر	۲	۰/۱۷	۰/۴۰۸
۳۵ تا ۵۰ هزار نفر	۶	۰/۵۰	۰/۴۷۶

مأخذ: همان.

بررسی وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی شهرهای کوچک شمال کشور در ارتباط با فاکتور نزدیکی به پایتخت کشور (تهران) نشان می‌دهد، شهرهایی که در فاصله نزدیک‌تری به پایتخت قرار دارند، به لحاظ شاخص‌های پایداری، وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر شهرها دارند. به عبارتی می‌توان گفت در منطقه شمال کشور هرچه فاصله شهرها نسبت به پایتخت نزدیک‌تر می‌شود، به دلیل دریافت خدمات اقتصادی و اجتماعی بیشتر، میانگین امتیاز پایداری گرایش بیشتری به سمت پایداری دارند (جدول ۸).

جدول ۸. فاصله با پایتخت و میزان پایداری شهرهای کوچک مورد مطالعه

فاصله	تعداد شهرها	درصد شهرها	ارزش پایداری
کمتر از ۳۰۰ کیلومتر	۵	۰/۴۱	۰/۴۷۷
بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر	۵	۰/۴۱	۰/۴۰۴
بیش از ۵۰۰ کیلومتر	۲	۰/۱۸	۰/۳۹۳

مأخذ: همان.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مفهوم توسعه پایدار، حاصل رشد آگاهی در سطوح جهانی در مورد مشکلات محیطی در حال رشد، موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فقر، نابرابری و نگرانی‌ها درباره آینده‌ای سالم برای بشر است که آنها را قویاً به هم پیوند می‌دهد. در ادبیات توسعه پایدار که عمدتاً از جنبش زیست‌محیطی ریشه گرفته است، جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی پایداری، کمتر مورد توجه قرار گرفته و عموماً به‌عنوان ابزاری کمک‌کننده برای رسیدن به توسعه پایدار در نظر گرفته می‌شوند. درحالی‌که پایداری حاصل نمی‌شود مگر آنکه ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز به سطحی پایه و قابل قبول از پایداری رسیده باشند. در این باره، به‌علت تمرکز پیوسته رو به رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در مراکز شهری و از جمله شهرهای کوچک، توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی با در نظر گرفتن چالش‌ها و تنگناهای پایداری این شهرها ضرورت بیشتری می‌یابد. بر این اساس پژوهش حاضر ضمن قبول روابط متقابل ابعاد سه‌گانه پایداری (اجتماعی، اقتصادی و محیطی)، بر فوریت بررسی پایداری اجتماعی و اقتصادی در سکونتگاه‌های کوچک شهری تأکید داشته و به سنجش و ارزیابی این دو بعد از پایداری در شهرهای کوچک شمال کشور پرداخته است. از این رو برای تحلیل و ارزیابی از مدل بارومتر پایداری استفاده شد و در مجموع هفت مؤلفه و ۳۸ شاخص به روش نظرسنجی از خبرگان علمی انتخاب شدند. نتایج حاصل از کاربست مدل بارومتر پایداری نشان می‌دهد در منطقه شمال کشور مؤلفه‌های کلی پایداری اجتماعی - اقتصادی در شرایط مناسبی قرار ندارند؛ هرچند کم‌وکیف آن در میان مؤلفه‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه است. بیشترین ناپایداری در بعد اجتماعی مربوط به شاخص‌های زیرمجموعه مؤلفه کیفیت زندگی با امتیاز ۰/۳۸۲ و در بعد اقتصادی شاخص‌های زیرمجموعه مؤلفه ثبات اقتصادی با امتیاز ۰/۳۸۳ بوده است. در میان مؤلفه‌های سنجش پایداری اجتماعی - اقتصادی، تنها شاخص‌های زیرمجموعه مؤلفه منابع انسانی با امتیاز ۰/۵۳۶ به دلیل وجود نیروی فعال و جوان تحصیل کرده در این شهرها، از شرایط نسبتاً مناسبی برخوردار بوده است. در میان شهرهای مورد مطالعه زیر آب با میانگین ۰/۳۵۰ ناپایدارترین شهر و رامسر با میانگین امتیاز ۰/۶۰۴ پایدارترین شهر هستند. نتایج حاصل از این پژوهش گویای رابطه مهم و شایان توجه میان پایداری شهرهای

کوچک و ویژگی‌های مکانی - فضایی آنهاست. براساس نتایج به دست آمده، شهرهای کوهپایه‌ای با میانگین امتیاز ۰/۳۶۲ در وضعیت نامناسب‌تری نسبت به شهرهای جلگه‌ای و ساحلی قرار دارند. همچنین ۳۳ درصد از شهرهای مورد مطالعه جمعیتی بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر داشته‌اند که با میانگین امتیاز ۰/۳۷۱ وضعیت ناپایدارتری نسبت به شهرهای پرجمعیت‌تر از خود داشته‌اند. بررسی وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی شهرهای کوچک شمال کشور در خصوص فاکتور نزدیکی به پایتخت کشور (تهران) نیز نشان از رابطه مستقیم افزایش میزان ناپایداری با افزایش فاصله از پایتخت کشور دارد، به طوری که شهرهای واقع در فاصله ۵۰۰ کیلومتری با میانگین امتیاز ۰/۳۹۳ نسبت به شهرهایی که فاصله کمتری با پایتخت داشته‌اند از وضعیت ناپایدارتری برخوردار بوده‌اند.

در مجموع نتایج حاصل از بررسی و تحلیل شاخص‌های سنجش پایداری اجتماعی - اقتصادی نشان از وضعیت نامطلوب پایداری در شهرهای کوچک مورد مطالعه دارد. عواملی مانند ناپایداری شاخص‌های کیفیت زندگی هم از بعد ذهنی و هم عینی، سلامت و امنیت اجتماعی، عدم رضایت شغلی، سطح پایین عملکردی شهر در شاخص خدماتی، کارایی و بهره‌وری پایین، بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی بیشترین سهم را در ناپایداری اجتماعی - اقتصادی این شهرها داشته‌اند. بنابراین در امر سیاست‌گذاری برای پایداری اجتماعی - اقتصادی - اقتصادی، توجه به عواملی ضروری است که سبب افزایش کیفیت زندگی در این شهرها می‌شود. متناسب با تحلیل موجود می‌توان گفت، تبیین مفاهیم مرتبط با پایداری اجتماعی - اقتصادی در سطح شهرهای کوچک شمال کشور، با محوریت شمردن حفظ و ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها و هماهنگی با طبیعت تعریف شده است. بر این مبنا بسترسازی برای ظهور خلاقیت‌ها و بسیج آحاد شهروندان در جهت تأمین اهداف اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار به منظور اطمینان از زندگی بهتر برای همه آنها و به ویژه شهروندان فقیر مورد توجه است.

در این رویکرد دو عنصر حیاتی توسعه اجتماعی - اقتصادی، یعنی مشارکت و توانمندسازی شهروندان به منظور دستیابی به سطح رفاه، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. مطابق با مبانی نظری پژوهش، پایداری اجتماعی - اقتصادی که گاه با مضامینی چون سرمایه

اجتماعی و رفاه انسانی همراه می‌شود، مقوله‌هایی چون سلامت و بهداشت، ارتقای سطح مهارت‌ها، افزایش کارایی و بهره‌وری، همگن‌سازی اجتماعی توأم با منافع متقابل و حفظ ارزش‌ها را با تأکید بر سه عنصر تعادل، عدالت و آزادی همگام می‌سازد. در این معنا پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک مورد مطالعه موجب تعامل بیشتر شهروندان خواهد شد تا حضور و ظهور داوطلبانه آنان و به‌ویژه اقشار فقیر در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی تسهیل شود و در نهایت با فعال‌سازی مردم، زمینه توانمندی آنان مهیا شود و احساس تعلق‌شان به مکان زندگی افزایش یابد. بدین ترتیب، در واقع تأکید بر ابعاد اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار، نقش و جایگاه شهروندان را در فرایند برنامه‌ریزی برای شهرهای کوچک بیش از گذشته مورد توجه قرار می‌دهد. از این‌رو در پایان پیشنهادهایی در این جهت برای دستیابی به توسعه پایدار در شهرهای کوچک شمال کشور ارائه می‌شود:

- توزیع و پراکنش مکانی - فضایی متعادل و متوازن امکانات، تسهیلات عمومی و خدمات شهری در سطح شهرهای کوچک شمال کشور به منظور گسترش عدالت اجتماعی،
- بسترسازی برای جلب سرمایه‌گذاری خصوصی، توجه ویژه به عمران، توسعه و تقویت اقتصادی - اجتماعی شهرهای کوچک شمال کشور برای ارتقای جایگاه عملکردی و فضایی آنها در نظام شهری،
- اعمال سیاست‌های تشویقی از جمله معافیت‌های مالیاتی و کاهش تعرفه‌های انرژی و آب، ایجاد و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و صنعتی در جوار شهرهای کوچک شمال کشور،
- توسعه انواع خدمات، امکانات و فعالیت‌ها در گستره منطقه بر مبنای توسعه شهرهای کوچک،
- توسعه سیاست‌های لازم برای مشارکت‌های مردمی و دخیل کردن شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور شهری به صورت رسمی و غیررسمی و ارتقای نقش و کارایی فضاها و عمومی درون بافت شهرها به‌ویژه محلات شهری،
- تدوین برنامه‌های اجتماع‌مدار در مدیریت شهری در جهت ایجاد احساس هویت مکانی و محله‌ای برای شهروندان شهرهای کوچک شمال کشور.

منابع و مآخذ

۱. برزگر، صادق (۱۳۹۳). «تبیین و سنجش پایداری در شهرهای کوچک استان مازندران»، رساله دکتری تهران - مرکز، تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور.
۲. بل، سیمون و استفان مورس (۱۳۸۶). *سنجش پایداری*، ترجمه ناصر شاهنوشی و یدالله آذرین فر، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. تقی زاده، فاطمه (۱۳۸۷). *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
۴. توکلی، جعفر (۱۳۹۳). «سنجش پایداری اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های خاوه شمالی و جنوبی، استان لرستان»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، ش ۳.
۵. جعفریان، مزدک و فرید عبدالحسین پور (۱۳۸۵). «پایداری شهری با نگاهی به ویژگی‌های شهرهای ایران»، همایش شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران شهرداری همدان.
۶. رهنمایی، محمدتقی و سیدموسی پورموسوی (۱۳۸۵). «بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلان‌شهر تهران براساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۷.
۷. رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه‌حسینی (۱۳۸۸). *مقایسه تطبیقی توسعه پایدار شهرهای استان مازندران و خوزستان*، تهران، انتشارات سمت.
۸. زال، ابوذر (۱۳۸۶). «ارزیابی و سنجش پایداری اجتماعی و نقش عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن در مناطق روستایی شهرستان خرم‌بید»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. ستارزاده بردسیری، زهره (۱۳۹۵). «ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر بردسیر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی.
۱۰. شایبرچیمبا، جی و دنیس ای راندینلی (۱۳۷۳). *اجرای طرح‌های تمرکززدایی در آسیا-امکانات محلی برای توسعه روستایی*، ترجمه عباس حکیمی و همکاران، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۱۱. شکوهی، حسین (۱۳۷۷). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. شمایی، علی و بابک لطفی مقدم (۱۳۹۴). «بررسی شاخص سازگاری در برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری به منظور پایداری اقتصادی شهر، مطالعه موردی: منطقه یک شهرداری تهران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال بیستم، ش ۷.

۱۳. صفایی پور، مسعود، سمیرا مرادی منفرد و محمدرضا امیری (۱۳۹۵). «ارزیابی و اولویت بندی شاخص های توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه ANP، مورد شناسی: شهر زنجان»، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ش ۱۹.
۱۴. ضرابی، اصغر (۱۳۸۰). «معنی و مفهوم توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه»، مجله رشد آموزش جغرافیا، ش ۵۹.
۱۵. علی اکبری، اسماعیل، مصطفی طالشی و محمد فرجی دارابخانی (۱۳۹۴). «استقرار متوازن و توسعه نامتوازن: تحلیلی بر نظام شهری غرب کلان منطقه زاگرس با تأکید بر ناپایداری و ناکارآمدی شهرهای کوچک»، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، ش ۶۱.
۱۶. فنی، زهره و فرید صارمی (۱۳۹۲). «رویکرد توسعه پایدار محله‌ای در کلان شهر تهران (مورد مطالعه: محله بهار)»، مجله جغرافیا و توسعه، ش ۳۰.
۱۷. فنی، زهره و اشرف السادات باقری (۱۳۹۴). «شهرهای کوچک و میانی (برنامه ریزی و توسعه)»، تهران، نشر مدیران امروز.
۱۸. قدیری، معصوم و محمد مهدی ضیانوشین (۱۳۸۹). «پایداری اقتصادی و رابطه آن با ویژگی های مکانی - فضایی»، فصلنامه روستا و توسعه، سال سیزدهم، ش ۲.
۱۹. محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۰). «برنامه ریزی و طراحی: شهرهای متوسط و شهری شدن جهان (نگاهی به بیانیه الییدا)»، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۵.
۲۰. مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). سرشماری نفوس کشور.
۲۱. نظریان، اصغر (۱۳۸۶). «شهرنشینی در حال دگرگونی و جایگاه شهرهای کوچک؛ تجربه ایرن»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال چهارم، ش ۱۴.
۲۲. یاری حصار، ارسطو، سیدعلی بدری، مهدی پورطاهری و حسنعلی فرجی سبکبار (۱۳۹۰). «سنجش و ارزیابی پایداری حوزه روستایی کلان شهر تهران»، فصلنامه پژوهش های روستایی، ش ۲(۴).

23. Bell, S. and S. Morse (2003). *Measuring Sustainability: Learning by Doing*, Earthscan, 189 Pages, London, ISBN 1-85383-843-8.

24. Bossel, H. (1999). "Indicators for Sustainable Development: Theory, Method, Applications", A Report to the Balaton, Group, IISD, Canada, Available on: www.worldcat.org/isbn/1895536138.

25. Brouwer, R. and R. Ek (2004). "Integrated Ecological, Economic and Social Impact Assessment of Alternative Flood Control Policies in the Netherlands", *Ecological Economics*, Vol. 50, Issues 1-2.
26. Cohen, Barney (2005). "Urbanization in Developing Countries; Current Trends, Future Projections, and Key Challenges for Sustainability", *Technology in Society*, Vol. 28, Issues 1-2.
27. Cohen, J. (1995). "Population Growth and Earth's Human Carrying Capacity", *Journal of Science*, Vol. 269.
28. Colantonio, A. (2008). *Social Sustainability: Linkage Research Topolicy and Practice*, Oxford Institute for Sustainable Development (OISD), Oxford Brookes University.
29. Dempsey, Nicolas, B. Brown and G. Bramley (2012). "The key to Sustainable Urban Development in UK Cities? The Influence of Density on Social Sustainability", *Progress in Planning* 77.
30. Drakakis, Smith (1995). "Third World Cities: Sustainable Urban Development", *Journal of Urban Studies*, Vol. 32.
31. GTZ Project Office (2004). "Chance for Socially Sustainable Development", Programme Office for Social and Ecological Standards, Email: social-ecological-standards@gtz.de.
32. Hopwood, Bill, Mary Mellor and Geoff O'Brien (2005). "Sustainable Development: Mapping Different Approaches", *Sustainable Development Sust. Dev.*, 13.
33. Littig, B. and E. Griessler (2005). "Social Sustainability: A Catchword Between Political Pragmatism and Social Theory", *International Journal of Sustainable Development* 8 (1/2).
34. Moffatt, I. (1996). *Sustainable Development, Principles, Analysis and Policies*, the Parthenon Publishing Group, London.
35. Murphy, K. (2012). "The Social Pillar of Sustainable Development: A Literature Review and Framework for Policy Analysis", *Sustainability: Science, Practice and Policy*, Vol. 8.

36. Pacione, Michael (2009). *Urban Geography a Global Perspective*, Published in the Taylor and Francis.
37. Prescott Allen, R. (1995). *Assessing Rural Sustainability*, Publisher International Union for Conservation of Nature and Natural Resources (IUCN), Switzerland and Cambridge UK.
38. Kumar Singh, Rajesh, H. R. Murty, S. K. Gupta and A. K. Dikshit (2009). "An Overview of Sustainability Assessment Methodologies", *Ecological Indicators* 9.
39. Gonzalez-Garcia, Sara, Rocío Manteiga, Maria Teresa Moreira and Gumersindo Feijoo (2018). "Assessing the Sustainability of Spanish Cities Considering Environmental and Socio-Economic Indicators", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 178.
40. Sors, A. I. (2001). "Monitoring and Environmental Impact Assessment", in Clark, Reidal Publishing Co, Dordrecht, 3650380.
41. Spangenberg, J. H. (2005). "Economic Sustainability of the Economy: Concepts and Indicators", *Int. Journal Sustainable Development*, Vol. 8 (1/2).
42. Valtenbergs, Visvaldis, Ainhoab González and Ralfs Piziks (2013). "Selecting Indicators for Sustainable Development of Small Towns: The Case of Valmiera Municipality", *ICTE in Regional Development*, December 2013, Valmiera, Latvia, *Procedia Computer Science* 26.
43. Warhurst, A. (2002). "Sustainability Indicators and Sustainability Performance Management, Report to the Project: Mining, Minerals and Sustainable Development (MMSD)", International Institute for Environment and Development (IIED). Warwick, England. http://www.iied.org/mmsd/mmsd_pdfs/sustainability_indicators.pdf.
44. Wong, Cecilia (2006). *Indicator for Urban and Regional Planning, The Interply of Policy and Methods*, Routledge Publisher, London and New York.